

پرونده علمی «بشارت به ائمه اثنا عشر» درآمد

[محمدقندهاری*]

با مرور کتاب مقدس پیروان ادیان ابراهیمی، موارد متعددی از اشیاء یا گروه‌های مقدس را می‌توان یافت که در تعداد دوازده با هم مشترک‌اند؛ تا حدی که برخی از محققین، نقش ویژه‌ای برای این عدد در سنت ادیان الهی قائل شده‌اند.^۱ در این بین، بشارت خداوند به حضرت ابراهیم عليه السلام مبنی بر ولادت «دوازده ربانی» از نسل اسماعیل عليه السلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در منابع حدیثی مسلمانان نیز روایات متعددی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یادگار مانده است که به «دوازده امام» پس از خود بشارت می‌دهند. در منابع شیعه و اهل سنت، بیش از ۲۰۰ روایت به این مضمون وجود دارد.^۲ باید توجه داشت که غیر از بشارات به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در آخر الزمان، کمتر بشارتی است که به مانند این روایت از ۳۷ صحابی نقل شده باشد: ۷ صحابی طبق نقل نگاشته‌های موجود اهل سنت^۳؛ و حداقل ۳۷ صحابی طبق نقل کتاب‌های شیعه از طرق اهل سنت.^۴

* دانشجوی دکترای قرآن و حدیث دانشگاه تهران، دبیر علمی پرونده ghandehari@ut.ac.ir.

1. McKnight, Scot. "Jesus and the Twelve". Bulletin for Biblical Research, Vol. 11, pp. 203-232, 2001

۲. رک: آل طه، سید حسن، جامع الاثر فی امامة الاثمة الاثنی عشر عليه السلام الباب الخامس؛ صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر، فصل اول.

۳. رک: نرم افزار جوامع الكلم. صحابه راوی این روایت، جابر بن سمره، عبدالله بن مسعود، اُبی جحیفه و هب بن عبدالله، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عمرو بن العاص السهمی، جابر بن عبدالله انصاری و سمره بن جناده (پدر جابر بن سمره) هستند.

۴. طبق نقل‌های نعمانی (الغیبة، ۵۷-۱۱۰): ۴ صحابی؛ طبق نقل‌های خزاز (کفایة الاثر، سرتاسر): ۲۸ صحابی؛ طبق نقل‌های صدوق (الخصال، ۲/۴۶۶-۴۸۰): ۱۰ صحابی و طبق نقل‌های ابن عیاش جوهری (مقتضب الاثر، سرتاسر): ۱۲ صحابی.

در منابع موجود اهل سنت، عموماً فراتر از بیان عدد امامان، اطلاعات بیشتری دربارهٔ مصادیق ائمه علیهم‌السلام ذکر نشده و نهایتاً به قرشی بودن آنان از جهت نسب و قبیله اشاره شده است. البته در لابلای احادیث اهل سنت، صفات متعددی برای امامان حق و امامان جور بیان شده که از این طریق می‌توان مصادیق حقیقی امام را از مصادیق دروغین آن تمیز داد؛ اما در کتاب‌های شیعه، شواهد روایی متعددی حاکی از آن است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اوصاف ائمه علیهم‌السلام را به مراتب دقیق‌تر معین کرده‌اند. در برخی از این روایات (مانند حدیث لوح و حدیث خضر)، به اسامی امامان تصریح شده است؛ اما چرا روایاتی که حاوی نام ائمه بوده است، هیچ‌گاه شهرت پیدا نکرده و همه‌گیر نشدند؟ توجه به فضای حاکم بر حدیث در قرن اول و عدم تمایل حاکمان بنی‌امیه به پخش احادیث فضائل^۱ نشان می‌دهد نقل این قبیل احادیث در چنان بستری، جرمی نابخشودنی تلقی می‌شد؛ چراکه تعیین مصادیق امامان به حق، به منزله نفی مشروعیت حاکمان و داخل دانستن آنان در جرگهٔ امامان جور بود.^۲ از سوی دیگر حاکمان غاصب علاوه بر تلاش برای جلوگیری از نشر این اخبار، کوشیدند تا احادیثی در مقابل این احادیث ساخته و منتشر کنند.^۳ افزون بر آن تعلق بسیاری از راویان متقدم به جریان عثمانی در سدهٔ نخست هجری، جریان غالب اهل حدیث در بسیاری از بلاد را شکل می‌داد، علت دیگری بود که این اخبار شایع نشود.^۴ در بین شیعیان نیز با توجه به شرایط سخت سیاسی - به‌ویژه بعد از واقعهٔ عاشورا -

۱. رک: مقدمهٔ سید عبدالعزیز طباطبایی بر کتاب فضائل امیرالمؤمنین از احمد بن حنبل.

۲. به عنوان تنها یک نمونه، رک: جوهری بصری، احمد بن عبد العزیز، مقتضب الأثر، ۴۳.

۳. برای آگاهی از تعدادی از احادیث جعلی این باب، رک: دینوری، عبدالله بن مسلم بن قتیبة، عیون الأخبار، ۳۰۲/۱.

۴. به عنوان نمونه عمرو بن ثابت از اصحاب امام باقر علیه‌السلام، برخی از احادیث نصوص را روایت کرده است؛ اما طبق نقل محمد بن حبان (۳۵۴.د ه) احادیث او بایکوت می‌شده است (المجروحین، ۶۲۵)؛ از همین رو طبیعی است که عموم اخبار حاوی نام ائمه نیز در منابع فعلی شیعه از طرق عمدتاً علوی نقل شده باشد. رک: صحابیان و تابعین راوی احادیث حاوی نام ائمه در مقتضب الاثر که عمدتاً علوی هستند.

امامان علیهم السلام توصیه شدیدی به حفظ و کتمان اسامی می‌کردند^۱ تا احادیث حاوی نام امامان، در بین شیعیان به مثابه یک راز حفظ شود. طبق برخی شواهد، شیعیان آگاه از مسئله نیز با پایبندی کامل به وظیفه دینی تقیه، می‌کوشیدند تا این احادیث به دست نااهلان نیفتد؛^۲ تا جایی که طبق نظر برخی محققان، آنان حتی از نگارش این احادیث خاص، به صورت روشن و واضح، در کتاب‌های حدیثی خود نیز اجتناب کرده و سعی می‌کردند تا حد ممکن احادیث ثبت شده جلب توجه نکنند.^۳ از این رو طبیعی بود که حتی برخی از اصحاب ائمه نیز نسبت به اسامی امامان پَسین، اطلاع یا اطمینان کافی نداشته باشند.^۴

در هر حال، با سپری شدن دوران حضور امامان و آغاز دوره غیبت، اخبار دوازده امام با اوصاف عمومی یا خاص آنان، به تدریج از اخباری با کارکرد اخبار از غیب، به نصوصی در اثبات نظریه شیعیان دوازده امامی بدل شد؛ به ویژه آن‌که در بین دیگر فرقه‌ها، یافتن مصادیق آن اخبار پر از ابهام و تردید بود. درست در همین برهه بود که شیخ کلینی، نعمانی و... به نگارش ابواب روایی در نقل این روایات دست زدند تا با استناد به اخبار

۱. برای دیدن نمونه‌هایی از سفارش امامان به مخفی نگه داشتن نام وصی، رک: کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۳۰۸/۱، ح ۴؛ ابن بابویه، علی بن حسین، الإمامة والتبصرة من الحيرة، ۶۶؛ ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین، ۲۵۳/۱؛ همو، من لا یحضره الفقیه، ۴/۴۱۳؛ خزاز رازی، علی بن محمد، کافیة الاثر، ۲۵۵.

۲. ناقلین روایات ائمه اثنا عشر علیهم السلام در برخی موارد برای حفظ سرّ به حذف نام ائمه علیهم السلام می‌پرداختند. برای نمونه رک: ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین، ۲۸۵/۱؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۳/۳۲۵ و ۷/۳۴؛ برقی، احمد بن محمد، محاسن، ۱/۴۴، ح ۵۸.

۳. محمد علی امیرمعزی در برخی نگاه‌های خود به تاکتیک‌های تقیه‌ای و روش «تبذیر العلم» در ثبت احادیث این باب و نیز احادیث مهدویت توجه داده است، مانند: همو، The Divine Guide in Early Shi'ism، ۱۰۳-۱۰۴ و ۲۱۳، پاورقی ۵۳۷ و همو، صفار قمی و کتاب بصائر الدرجات؛ امامت پژوهی، ۴/۱۰۲، پاورقی ۳. البته نویسندگان با تحلیل‌های او درباره احادیث معارض، موافق نبوده و آن‌ها را ناشی از خطای راویان و مستنسخین می‌داند.

۴. البته روشن است که در آن زمان، دانستن اسامی امامان بعد، جزء ضروریات دینی نبوده و ندانستن آن نیز به اعتقادات یک شیعه ضربه‌ای وارد نمی‌کرده است.

پیشین پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام، بردوازه امام که به نوعی صحت آن با آغاز غیبت کبرا تأیید شده بود، حقانیت شیعه اثناعشری را نشان دهند.

پس از استناد شیعیان اثناعشری به این اخبار، به مرور، برخی از مخالفین به فکر پاسخ افتادند و به عنوان اولین راه حل، بر این اخبار اعتراضاتی را وارد کردند. به نظر می‌رسد زیدیان مهم‌ترین گروه از اشکال کنندگان بوده‌اند. آنان در ابتدا تلاش کردند که اصالت روایات دال بر امتداد ائمه از نسل امام حسین علیه السلام را زیر سؤال ببرند. از جمله اشکالات مطرح شده این بود که اگر صحابه و برخی راویان سنی وزیدی، این اخبار را نقل کرده‌اند، چرا خود به مضمون آن عمل نکردند و شیعه نشده‌اند؟! همچنین مدعی شدند که این روایات همگی ضعیف‌اند، چرا که درسند آن‌ها، راویان غیر موثق قرار دارند. این اشکالات به نگارش آثاری مستقل از سوی برخی علمای شیعه چون شیخ صدوق، خزاز قمی و ابن عیاش جوهری منجر شد تا با جمع‌آوری روایات اهل سنت و استناد به احادیث برون فرقه‌ای، اصالت بشارت به ائمه اثناعشر علیهم السلام و دلالت آن بردوازه امام شیعه را نشان دهند. در دوران معاصر، برخی از شیعه پژوهان نیز به این مسئله علاقه‌مند شده و با مقایسه داده‌های ابوابی از کتاب‌های باقی‌مانده امامیه از قرن دوم و سوم که درباره دوازه امام سامان یافته بود، با نگاهی به قرون بعدی در باب تطور فکر شیعه امامیه پس از غیبت، به نظریه پردازی پرداخته‌اند.^۲ در گفتار آنان محورهای گوناگونی از اشکالات - برخی متکی بر

۱. به عنوان نمونه، رک: اشکالات نقل شده از زیدیان در: ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین، ۶۷/۱ و ۶۸.

۲. ظاهراً اولین فرد از محققین غربی که نوظهور بودن عقیده به دوازه امام در شیعه امامیه را مطرح کرده است، ویلیام مونتگومری وات، کشیش مسیحی معاصر است (به نقل از رحمتی، محمد کاظم، غیبت صغری و نخستین بحران‌های امامیه، تاریخ اسلام، ۲۵/۳۵-۸۲):

W. Montgomery Watt, The Majesty That Was Islam (London, 1976) pp: 169-170
بعد از وی، اتان کلبِرگ در مقاله از امامیه تا اثنی عشریه، این نظریه را بسط داده است (Kohlberg, From Imāmiyya to Ithnā-‘ashariyya. گفتنی است این مقاله به طور مستقل نقد شده است؛ رک: الویری، محسن، نقد نظریه‌ای در پیدایش شیعه اثنی عشری، مجله دانشگاه امام صادق علیه السلام، شماره اول). در ادامه، مدرسی طباطبایی نیز کوشیده است تا شواهد معارض با این نظریه را توجیه نماید. رک: Modarressi Tabatabai, Hossein, Crisis and Consolidation in the Formative Period of Shi'ite Islam, pp 99-102 .

اخباری خاص و برخی عام‌تر- به چشم می‌خورد؛ اما عمده اشکالات همان مواردی است که در کتاب‌های زیدیه آمده است و محدثین شیعه از دیرباز بدان پرداخته‌اند.^۱ امروزه، هرچند پژوهش‌های جدیدی در این باب قابل مشاهده است که برخی از سوالات را پاسخ می‌گوید، اما در عین حال زوایایی از این مباحث هم چنان نیاز به پژوهش‌های بیشتر دارد.

آنچه به اختصار بیان شد، نشان می‌دهد اخبار دوازده امام علیهم‌السلام، از موضوعات مهم در مباحث حدیثی اسلامی به شمار می‌رود و طیف‌های وسیعی از اندیشمندان از فرقه‌های گوناگون اسلامی گرفته تا خاورشناسان را به سوی خویش جذب کرده است. حوزه‌هایی از این موضوع، نیاز به پژوهش دارد که گفتارهای زیر از مجموعه مقاله‌های این شماره فصلنامه امامت پژوهی، می‌کوشد در این مسیر گام بردارد:

اولین مقاله با عنوان دوازده امام در تورات: «نگاهی نوبه بشارت ابراهیم در سفر پیدایش»، به پیشینه این بشارت در کتب مقدس پرداخته و به طور خاص با بررسی نسخه‌های کهن عبری و سریانی عهد عتیق، به بررسی بشارت خداوند به ابراهیم در آیه ۲۰:۱۷ از سفر تکوین می‌پردازد. مقاله دوم: «رمزگشایی از تشبیه عددی ائمه به نقبای بنی اسرائیل: در حدیث نبوی کعدة نبقاء بنی اسرائیل» نیز با کاوش در سنت دوازده منتخب در ادیان ابراهیمی و با بررسی موردی جایگاه نقبای بنی اسرائیل با استفاده از آیات تورات و قرآن، سعی در رمزگشایی از حدیث معروف پیامبر دارد که در پاسخ سؤال از عدد ائمه فرمودند: «الاثناعشر، کعدة نبقاء بنی اسرائیل».

۱. مفید، محمد بن محمد، المسائل الجارودية، ۳۵؛ خزاز رازی، علی بن محمد، همان، ۳۰۴-۳۰۷.
 ۲. به عنوان یک نمونه از تحقیقات جدید درباره نقل‌های سنی این حدیث: رک: مصالایی پوریزدی، عباس و امرایی، رحیم؛ تحلیل انتقادی شروح و تفاسیر حدیث «يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً»، دو فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، و برای نقل‌های شیعی، رک: وهابی، محمدرضا، منابع احادیث اثناعشر در کتب شیعه از سه قرن نخست، علوم حدیث، شماره ۱-۲ (پیاپی ۶۰). آندره نیومن نیز، برخی تحلیل‌های شیعه پژوهان غربی را درباره نقل‌های شیعی این حدیث به نقد کشیده است. رک: The Formative Period of Twelver Shiism, p. 66, 84-5, 150. آندره جی، دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی، شیعه شناسی، قم، ۱۳۸۶

مقاله سوم: «حدیث بشارت رسول خدا به دوازده امام در متون اهل سنت»، به جست و جو و بررسی شواهدی می پردازد که حاکی از جلوگیری از نقل صحیح و کامل بشارت پیامبر به امامان پس از خود است که محتملاً شامل ویژگی های دقیق تری از این امامان بوده است. البته همان طور که گفته آمد، برخی از این ویژگی ها، در لابلای احادیث باقی مانده در میراث اهل سنت قابل پی جویی است که مقاله چهارم: «شناخت و تمییز امامان حق از امامان جور بر پایه شاخصه ها با محوریت ائمه اثنا عشر»، متکفل این امر است.

مقاله پنجم: «بررسی قدمت احادیث دوازده امام در الکافی»، با منبع یابی روایات باب «الائمة اثنا عشر» در الکافی، اصالت و قدمت داده های این باب را محک زده و برخی از اشکالات مطرح شده در این باره را پاسخ می گوید.

دومقاله آخر به طور خاص به اشکالات مرتبط با دوروایت از همین باب پرداخته اند. مقاله ششم: جستاری در باور زیدیه متقدم به اخبار امامان اثنا عشر؛ نمونه موردی ابوالجارود، با بررسی شواهد تاریخی متعدد، سعی در راستی آزمایی گزارش ابوالجارود از حدیث لوح (حدیث نهم این باب) داشته و از این رهگذر، تصور مرسوم از باور زیدیان متقدم را به چالش کشیده است. علاوه بر این، حدیث نخست از این باب الکافی نیز با پرسش های گوناگونی مواجه شده است. مقاله هفتم و آخر: حدیث شهادت خضر بر دوازده امام: بررسی اصالت ونحوه انتقال از اصول اولیه به جوامع حدیثی، با روش شناسی برقی در بخش کتاب العلل از المحاسن، کوشش کرده است تا به چرایی تفاوت های سندی و متنی نقل این حدیث در المحاسن بالکافی و دیگر منابع نقل این خبر بپردازد.

در انتها یادآور می شویم که این پرونده فتح بابی است برای بازخوانی تاریخ اعتقاد به دوازده امام علیهم السلام و مسائل مرتبط با این بشارت ابراهیمی و نبوی که در کتاب های متکلمین عمدتاً در صدر ادله اثباتی تشیع قرار داشته است؛ بنابراین تمامی نظرات تکمیلی و انتقادات خوانندگان گرامی را پذیراییم.

- آل طه، سید حسن، جامع الاثر فی امامة الاثمة الاثنی عشر علیه السلام، ۱ جلد، تهران، جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹.
- ابن بابویه، علی بن حسین، الإمامة والتبصرة من الحيرة، مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق)، الخصال، جامعه مدرّسین، قم، ۱۳۶۲
- _____، کمال الدین و تمام النعمة، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۹۵ ق.
- _____، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق.
- ابن حبان، محمد، کتاب المجروحین، دار البارز، مکه، بی تا
- ابن حنبل، احمد بن محمد، فضائل أمير المومنین علي بن أبي طالب علیه السلام، با تحقیق و تعلیق و مقدمه: عبدالعزیز طباطبائی، دارالتفسیر، چاپ اول، قم، ۱۴۳۳ ق.
- الویری، محسن، نقد نظریه ای در پیدایش شیعه اثنی عشری، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول، شماره دوم، ۱۳۷۴
- امیرمعزی، محمدعلی، صفار قمی و کتاب بصائر الدرجات؛ امامت پژوهی، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقیق جلال الدین محدث، دار الکتب الاسلامیة، قم، ۱۳۷۱
- جوهری بصری، احمد بن عبد العزیز، مقتضب الاثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، انتشارات طباطبائی - قم، چاپ: اول، بی تا.
- خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الاثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، بیدار - قم، ۱۴۰۱ ق.
- دینوری، عبدالله بن مسلم بن قتیبة، عیون الأخبار، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۸ ق.
- رحمتی، محمد کاظم، غیبت صغری و نخستین بحران های امامیه، تاریخ اسلام، ۸۲-۳۵/۲۵
- صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی أحوال الإمام الثاني عشر، قم، دفتر آیت الله صافی، ۱۳۸۰ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ق.
- مصلابی پور یزدی، عباس و امرایی، رحیم؛ تحلیل انتقادی شروح و تفاسیر حدیث «يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً»، دو فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، سال هفتم، شماره ۱ (پیاپی ۱۳)، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.

مفید، محمد بن نعمان، المسائل الجارودية، المؤتمر العالمي للشيخ المفید - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ق.

نعمانی، محمد بن إبراهیم، الغیبة، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.

وهابی، محمدرضا، منابع احادیث اثنا عشر در کتب شیعه از سه قرن نخست، علوم حدیث، سال شانزدهم، شماره ۲-۱ (پیاپی ۶۰)، بهار و تابستان ۱۳۹۰.

Amir-Moezzi, Mohammad Ali, *The Divine Guide in Early Shi'ism: The Sources of Esotericism in Islam*, David Streight, tr, Albany: State University of New York Press, 1994.

Kohlberg, Etan, *From Imāmiyya to Ithnā-'ashariyya*, Bulletin of the School of Oriental and African Studies, Volume 39, Issue 03, October 1976.

McKnight, Scot. "Jesus and the Twelve". Bulletin for Biblical Research, Vol.11, pp.203-232, 2001

Modarressi Tabatabai, Hossein, *Crisis and Consolidation in the Formative Period of Shi'ite Islam: Abu Ja'far ibn Qiba al-Razi and his Contribution to Imamite Shi'ite Thought*, Princeton: The Darwin Press, 1993.

Newman, Andrew, *The Formative Period of Twelver Shi'ism: Hadith as Discourse Between Qum and Baghdad*, Richmond: Curzon, 2000.

Montgomery Watt, William, *The Majesty That Was Islam*, London, 1976.

نرم افزار جوامع الکلم، نسخه ۴، ۵.